

در کشور طی یک دهه چه گذشت؟؟؟



پژوهشی از (صباح)

یاد مان باشد که از کسی تمنایی نکنیم صد بار مارا شکسته اند صدایی نکنیم
گرچه وطن ویرانه و مردم محتاج نان طلب رفع ستم ز هر بی سر و پایی نکنیم

وجود چندین هزار نیروی خارجی در کشور باری از مشکلاتی را از دوش مردم رنج کشیده ما بر نداشته، بلکه درگیری آن ها با "طالبان" به تعداد قربانیان و مردم بی دفاع افزوده است. چرا کشورهای که ادعا می کنند در کشور به دلیل برقراری امنیت و مبارزه با تروریسم حضور دارند، تا کنون جز از ویرانی و کشتن قدمی بر نداشته اند، باید از این مدعیان حقوق بشر پرسید کمک های بین المللی را جز امرار معاش روزانه خود در کجا صرف کرده اند؟ به راستی سهمی اندک از میلیاردها دالر کمک بین المللی و منابع نامحدود معدنی افغانستان، چرا برای چنین مشکلات صرف نشده است؟

در افغانستان نه تنها شاهد ثبات و امنیت نیستیم بلکه هر روز شماری از مردم بر اثر انفجار بمب یا حمله ی هواپیما های بدون سرنشین و یا به هر علت دیگری که به ناامنی مربوط است، جان خود را از دست می دهند. البته شاید در برخی از مناطق، امنیت نسبی حاکم باشد اما با توجه به حضور نیروهای خارجی در افغانستان انتظار می رفت ثبات نسبی در همه مناطق برقرار می شد. بافت کشور به گونه ای است که می توان گفت تحولات کشور راه حل نظامی ندارد. هم اکنون نیز نیروهای ناتو در باتلاقی گرفتار شده اند که هیچ راه خروجی ندارند. از يك طرف هزینه های سنگین نظامی نیروهای ناتو،

کشورهای عضو این سازمان را در شرایط بد اقتصادی و بحران مالی کنونی به تنگنا کشانده است. تلفات نیروهای ناتو نیز از طرف دیگر کشورهای عضو سازمان را در مقابل افکار عمومی قرار داده است. همچنین اگر در شرایط کنونی ناتو افغانستان را ترك کند شاید اتفاقات ناگوار تری روی دهد. مایکل استیل رهبر جمهوریخواهان کنگره به خاطر توصیف جنگ افغانستان به عنوان گزینه انتخاب شده اوباما و گفتن اینکه آمریکا هم مانند دیگر قدرت‌های خارجی در افغانستان شکست می‌خورد، مورد حمله هم حزبی‌هایش قرار گرفت. بعضی منتقدان، استیل را به خاطر این بدبینی سرزنش کردند و عده ای دیگر به خاطر اشتباه محاسباتی اش به او ایراد گرفتند. استدلال آنها این بود که جورج بوش دستور حمله به افغانستان را بعد از یازده سپتامبر داده بود.

جنگی که امروز آمریکا در افغانستان با آن روبه روست کاملاً با آن چیزی که دولت بوش آغاز کرد متفاوت است. افغانستان اکنون کاملاً گزینه جنگی مورد انتخاب اوباما است و خود رئیس جمهور هم با انتخاب جنرال دیوید پترائوس به فرماندهی نیروهای نظامی در افغانستان، آن را دریافته است. اما بعد از نزدیک به ده سال جنگ، ادامه حضور نظامی آمریکا در افغانستان یا افزایش این حضور بهبود چندانی ایجاد نمی‌کند و ارزش سرمایه‌گذاری مالی و جانی آمریکا را ندارد. اکنون زمان آن رسیده تا میزان بلند پروازی‌هایمان را کم کنیم و به واقعیت برسیم.


اولین نکته ای که باید درک کنیم این است که ادامه چنین جنگی در حقیقت یک گزینه و انتخاب است نه یک ضرورت. آمریکا در اکتبر سال دو هزار و یک میلادی برای سرنگونی دولت "طالبان" وارد جنگ شد. "طالبان" برکنار شد و اعضای "القاعده" دستگیر یا کشته شدند یا به پاکستان گریختند. آن جنگ لازم بود. اما دولت بوش نمی‌دانست در مرحله بعدی چه باید بکند. من در آن زمان در وزارت خارجه کار می‌کردم از سوی بوش به‌عنوان هماهنگ کننده دولت آمریکا در امور آینده افغانستان منصوب شده بودم. در یکی از جلسات شورای امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور در اکتبر دو هزار و یک، حرف من این بود که بعد از سرنگونی "طالبان" و فراهم کردن فرصت برای استقرار یک دولت هرچند ضعیف در کابل، آمریکا باید کابل را ترک کند. بعدها هم گفتم که آمریکا باید بخشی از یک نیروی بین‌المللی صلح بان در افغانستان باشد. همکاران من در دولت بوش علاقه‌ای به این پیشنهاد نداشتند. اما من می‌گفتم که تاریخ نشان داده در غیر این صورت موفقیتی در افغانستان به دست نمی‌آوریم. بالاخره آمریکا تصمیم گرفت بعد از سرنگونی "طالبان" به سراغ بلند پروازی‌های دیگر نرود. در سال دو هزار و نو میلادی

وقتی اوباما رئیس جمهور شد، وضعیت در افغانستان به شدت رو به وخامت می رفت. "طالبان" در حال قدرت گرفتن بود و واشنگتن نگران تهدیدی که از ناحیه افغانستان برای دولت نوپا وجود داشت. از آن زمان تاکنون اوباما چندین فرصت برای ارزیابی دوباره اهداف و منافع آمریکا در افغانستان داشته و در هر مورد شدت دادن جنگ را انتخاب کرده است. تصمیماتی که در این میان گرفته شد هم ضد و نقیض بود. از یک سو سی هزار نیروی جدید به افغانستان فرستاده شد تا هم به "طالبان" هشدار داده باشد و هم به دولت کابل تضمین بدهد.


اما از سوی دیگر وعده می داد که نیروهای آمریکایی از تابستان سال دوهزار و یازده میلادی بازگشت به خانه را آغاز می کنند. امروز راهبرد افزایش نیرو جواب نداده است.

با این حال اوباما فرصت دیگری دارد تا درباره این جنگ تصمیم بگیرد و گزینه‌هایی هم دارد. اول حفظ مسیر کنونی یعنی حمله به "طالبان" و آموزش اردوی افغانستان است. این گزینه هزینه زیادی دارد و به موفقیت هم نمی رسد. هزینه و خسارت اقتصادی ادامه سیاست فعلی برای آمریکا بیش از صد میلیارد دلار در سال است. گزینه دیگر خروج و عقب نشینی است. این کار ممکن است به فروپاشی دولت کرزی و غلبه کامل "طالبان" منجر شود. شاید افغانستان به لبنان دیگری تبدیل شود. گزینه دیگر آشتی و مذاکره و آتش بس با آن گروه از "طالبان" است که آماده توقف درگیری هستند. این گزینه هم مشکلاتی دارد مانند اینکه ممکن است شرایط گفت و گوی دوطرف یکی نباشد یا "طالبان" علاقه ای به توقف درگیری نداشته باشند. رابرت بلک ویل سفیر پیشین آمریکا در هند راه حلی جدید ارائه داده مبنی بر تقسیم افغانستان به این صورت که آمریکا کنترل "طالبان" بر مناطق جنوبی پشتون نشین را بپذیرد به شرط آنکه به "القاعده" پناه ندهند. اما پشتونستان خودمختار در داخل افغانستان می تواند به تهدیدی برای تمامیت ارضی پاکستان تبدیل شود و جمعیت بیست و پنج میلیونی پشتون های پاکستان هم ادعای خودمختاری کنند. چنین طرحی همچنین با مخالفت تاجیک ها، بلوچ ها و هزاره ها روبه رو می شود.

اما اوباما بالاخره چه باید بکند؟ اول باید ببینیم آمریکا چرا به افغانستان رفت. دو هدف آمریکا از این جنگ جلوگیری از استقرار "القاعده" در این کشور و تضمین عدم تهدید ثبات پاکستان از سوی افغانستان بود. هر دو هدف اکنون تا حدی محقق شده است. سیا می گوید شمار "القاعده" در افغانستان اکنون بین شصت تا صد نفر است. پاکستان به خاطر داشتن زرادخانه هسته‌ای، از افغانستان مهم تر است و نفوس بیشتری هم دارد. اما آینده پاکستان با وقایع داخلی مرزهای این کشور رقم می خورد نه با وقایع همسایه غربی اش. اردوی پاکستان اکنون دریافته که "طالبان" پاکستان خطرناک ترین تهدید برای آینده این کشور است. به همین خاطر حمله علیه آنها شدت گرفته است.



هر روز تور ماهیگیر عده ای از ماهی ها را صید می کند، پس اگر امروز صید نشدی خوشحال مباش! ماهیگیر با تورش فردا هم در جستجوی طعمه است.



یک گزارش کنگره آمریکا تایید می کند که از سال دوهزارویک میلادی، یکهزار میلیارد دالر از خزانه آمریکا تحت نام جنگ با تروریسم، خارج شده است. رسانه های آمریکایی نیز نوشته بودند که بعد از سال دوهزارویک میلادی بیش از سه هزار و صد سازمان و شرکت در این کشور به راه افتاده اند که با بودجه های گسترده و بکارگیری مکان های وسیع و نیروی انسانی بی شمار، جاسوسی آمریکایی ها را می کنند. این گزارش های افشا کننده، این دیدگاه را که عملیات تروریستی یازده سپتامبر در داخل آمریکا و با اهداف خاصی داخلی و بین المللی طراحی شده بود، بیش از پیش تقویت می کند. کنگره آمریکا در گزارش خود تایید می کند هزینه هایی که دولت آمریکا در این دوره زمانی تحت نام مبارزه با تروریسم صرف کرده، پس از جنگ جهانی دوم سابقه نداشته است. گزارش بخش تحقیقات کنگره آمریکا در خصوص هزینه لشکرکشی های این کشور می گوید که از هنگام حمله تروریستی یازدهم سپتامبر، آمریکا مبلغی معادل یک هزار میلیارد و صد و پنجاه میلیون دالر صرف کرده است.

دفتر کمیته بودجه کنگره در سال دوهزار و هفت میلادی گفت- هزینه جنگها در عراق و افغانستان می تواند تا سال دوهزار و هفده میلادی بالغ بر دوهزار میلیارد و چهار صد میلیون دالر شود که این مقدار دو برابر هزینه ای است که تاکنون صرف شده است.

بنابر این افغانستان به مهمترین دغدغه ناتو و کشورهای عضو آن تبدیل شده است. در نشست ايسبون پایتخت پرتغال شاهد بودیم که چگونه سران ناتو دنبال راه حلی برای پایان دادن سریع به بحران در افغانستان بودند. هر چند در نهایت تصمیم گرفته شد به تدریج امنیت برخی از مناطق به نیروهای داخلی واگذار شود. اما تا فرا رسیدن آن زمان راهبرد ناتو چگونه باید باشد؟ قطعا ناتو در این زمینه با گرفتاری ها و مشکلات زیادی مواجه خواهد بود.

خانه شفاف سازی اطلاعات در گزارشی به بررسی و تحلیل حضور نظامی آمریکا در افغانستان پرداخته و می نویسد: کاخ سفید مهلت آغاز عقب نشینی نیروهای خود را از افغانستان، چون دوهزار و یازده میلادی اعلام کرد بنابر این، آنها نیاز دارند تا این عقب نشینی را که در مقابل دیدگان مردم خود و مردم

جهان صورت می گیرد از طریق دست یابی به نتیجه ای عینی و ملموس در افغانستان توجیه کنند. شکست در جلب حمایت مردم منجر به بمباران گسترده مناطق غیرنظامی شد برای این منظور، یکصدوپنجاه هزار نیروی خارجی را همراه با تمامی امکانات و تکنالوژی نظامی جمع آوری و مستقر کرده اند. آمریکایی‌ها، قندهار را از نظر اهمیت راهبردی به عنوان میدان جنگی برای خود انتخاب کردند. طی نه ماه گذشته، آمریکایی‌ها تمامی تلاش خود را برای دستیابی به نتیجه ای نظامی یا سیاسی در افغانستان انجام دادند. تمامی ابزارهای تبلیغاتی را به منظور دور نگه داشتن مردم از گروه های جنگجو در اختیار گرفتند. ولی با این حال، در جلب حمایت مردم شکست خوردند، به همین خاطر مهاجمان به بمباران گسترده مناطق غیرنظامی روی آوردند. این مسائل موجب آواره شدن و جابجایی هزاران خانواده از سرزمین خود شد. جنگجویان از ابتدای شروع عملیات ها، عملیات های را در مراکز ولایت و شهرها انجام دادند، در نتیجه، ابتکار عمل را بدست گرفتند. آنان نه تنها این عملیات ها را در شهر قندهار اداره کردند بلکه به مناطقی چون میدان دند، ارغنداب، ژیری پنجوایی و میوند گسترش دادند. چندی قبل، نیک کارتر، فرمانده نیروهای خارجی نتوانست هیچ گونه اطلاعاتی در مورد این عملیات ها به رسانه ها ارائه دهد. این گزارش شکست خارجی ها در عملیات قندهار را دلیل اصلی شکست حامیان اوپاما و دموکرات ها در انتخابات میان دوره ای دانسته و نوشته است. همچنین، به دلیل شکست های آنان در این عملیات، میزان محبوبیت اوپاما در آمریکا به میزان چهل در صد کاهش یافت.

از جانب دیگر کشمکشها و سراسیمگی در داخل متحدین و دولت افغانستان همچنان ادامه دارد بگونه مثال سخنان مداخله جویانه خارجی ها در مورد توضیح خواستن از رئیس جمهور مبنی بر گرفتن پول از کشور ایران، نشان داد که آنان نه تنها به استقلال عمل، فکر و اندیشه و آزادی واقعی و واقعی نمی نهند، بلکه اگر منافع و شرایط اقتضا کند خود چنان طوفان سهمگین و ابر تیره و تاری در آسمان آزادی و در اجتماع و نظام افغانستان ایجاد کنند که مجال هرگونه درست اندیشی و تفکر را از سیاست مداران میگیرد. با توجه به دشمنی دیرینه ایران و آمریکا، مقامات غربی یکی از منافع حضور خود در منطقه را کنترل اوضاع در ایران میدانند و این از جمله همان منافی است که رئیس جمهور کرزی نیز از آن یاد کرده و گفته است که خارجیان در افغانستان به دنبال منافع خود هستند. کاملاً روشن است که اگر چنانچه اینگونه نبود، نیازی به نگرانی خارجی ها در مورد کمک به دولت افغانستان نبود زیرا به همگان واضح است که نظام جدید افغانستان طی ده سال از کمک کشورهای خارجی در بخش های مختلف حتی برای بودجه های خود استفاده میکند و با کمک مستقیم نظامی خارجیان و بقاء و دوام خود ادامه داده است، پس کمک یک کشور اسلامی چه جای نگرانی دارد؟ نگرانی واقعی را باید در سخنان مداخله خارجی ها دانست.

گسترده‌گی سطح تأثیر گذاری این گونه دخالت های غربیان بر جامعه افغانستان و نتایج نا مطلوب آن بویژه در ارتباط به آسیب رساندن به حیثیت برخی چهره های نظام از جمله ریاست جمهوری، در پی مواضع مناسب و مثبت ایشان برای جامعه افغانستان، اما بر ضد منافع غربیان به مانند لغو موسسات امنیتی خصوصی و ایجاد روابط مفید با همسایگان، حاکی از وجود طرح حساب شده و برنامه ریزی شده با منشأ غربی و با هدف آسیب رساندن به چهره های ملی می باشد، که قطعاً نباید از کنار آن به سادگی گذشت. و یقیناً ریشه یابی مقالات روزنامه های غربی حقایق بیشتر را روشن خواهد کرد. سخنرانی ها و اقدامات اخیر رئیس جمهور باعث ایجاد شایعاتی شده است که خارجی ها به جستجوی فرد مورد نظر دیگری برای جانشینی کرزی باشند. با توجه به دخالت های آنان و حوادث اخیر، این امر را چندان هم دور از واقعیت نمی نمایاند.

به هر صورت اینگونه اظهار نظرهای مداخله جویانه نظریه آن عده از مردم و کارشناسان را قوت بخشیده و به اثبات میرساند که نزدیکی بیش از حد و واگذاری اختیارات به خارجی ها نه تنها بحران ها در افغانستان را تخفیف و یا کاهش نخواهد داد، بلکه به بروز مشکلات جدید خواهد انجامید، و تجربه ثابت کرده است که مردم افغانستان با کسانیکه بخواهند از در سلطه وارد عرصه شوند هرگز مدارا نخواهند کرد. و غربی ها نباید هرگز تجربه تلخ سلطه استعمار گران را در کشور تکرار کنند. افغانستان خاطرات ناخوشی از تجاوزات و دخالت های خارجیان دارد و غربی ها نیز نشان دادند که سعی نکرده اند خصوصیات و آرزوهای مردم را درک کنند و موجبات تلطیف و التیام دردها و زخم های آنان را فراهم نمایند، بلکه برعکس با اینگونه دخالت ها و عملکرد ها، موجبات تشدید آزرده‌گی ملت را فراهم میسازند که اگر ادامه پیدا کند بدون شك زمینه واکنش های مردمی را فراهم خواهد ساخت و در مرحله ای بعد واکنش ها تبدیل به نفرت خواهد شد.

همچنان تردد و گشت نیروهای خارجی در شهرها و ولایات بسیار تحریک کننده شده است و بهتر است که غربی ها این اقدامات نظامی را محدود کنند. این انتقادات صریح کرزی باعث خشم مقامات آمریکائی شده است. جنرال پترائوس فرمانده نیروهای آمریکائی با اشاره به اظهارات کرزی گفته است که عملیات شبانه نیروهای آمریکائی علیه مواضع "طالبان" بخش عمده ای از استراتژی آمریکا محسوب میشود. واشنگتن پست مینویسد در خبر ها آمده بود که پترائوس تهدید کرده بود که استعفا خواهد داد اما مقامات آمریکائی این خبر را تکذیب می کنند.

راه و روش حامد کرزی باعث عصبانیت فرماندهان نظامی شده و می گویند این اظهارات ادامه عملیات جنگی را با مشکل مواجه نموده است. اظهارات رییس جمهور در تناقض با استراتژی بگیر و بکش دیوید

پترائوس برای مقابله با "طالبان" است. از سوی دیگر سناتور گراهام که اخیراً از کشورما بازگشته به شبکه تلویزیونی ان بی سی گفت از صحبت‌های کرزی تعجب کرده است چرا که در مذاکرات به وی گفته شد که عملیات شبانه علیه پایگاه‌های "طالبان" نقش عمده ای در پیروزی نیروهای آمریکائی دارد.



جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا که برای معرفی کتابش تحت عنوان خاطرات کاخ سفید صحبت می کرد گفت هرکسی که به افغانستان حمله کرده است بازنده از آن بیرون آمده و من تردید جدی دارم از اینکه ما بتوانیم به اهداف خود فایز آیم. کارتر اظهار داشت بر این باور است که آمریکا احتمالاً در جنگ افغانستان شکست خواهد خورد. وی افزود بسیاری از چیزهایی که من در دوران ریاست جمهوری ام با آنها روبرو بودم هم اکنون بر روی میز اوپاما قرار دارد تا آنها را حل کند.

روزنامه واشنگتن تایمز در یکی از شماره های اخیر خود زیر عنوان ارزیابی جدید راجع به ستراتیژی جنگ در افغانستان می نویسد، نو سال است که ایالات متحده امریکا در افغانستان مصروف جنگ است، اما هنوز هم نه مردم امریکا و نه هم نماینده گان انتخابی آنها به صورت روشن می دانند که اهداف امریکا در منطقه چیست.

فرنک اولف یک عضو کمیته تخصیص بودجه مجلس نماینده گان امریکا از حزب جمهوری خواه در یک نامه یی که به بارک اوپاما فرستاده خواسته است، یگ گروپ مطالعه افغانستان - پاکستان تشکیل شود تا ماموریت ایالات متحده امریکا را در افغانستان مورد ارزیابی جدید قرار بدهد. نوسال است که ایالات متحده امریکا در یک جنگ طولانی مصروف است، اما مردم امریکا و نماینده گان انتخابی آن ها احساس روشنی نه دارند، راجع به این که اهداف ما درافغانستان چیست و برای بدست آوردن این اهداف چه اندازه فاصله داریم. در نامه یی که اولف عضو کمیته تخصیص بودجه مجلس نماینده گان امریکا به رییس جمهور اوپاما فرستاده گفته است، در صحبت های که اخیراً با دیپلمات های سابق، متخصصین امور سیاست عامه و نظامیان بر حال و متقاعد نظامی داشتم، آنها یک تصویر ترسناک از اوضاع درافغانستان ترسیم کردند و همه به این نیزموفق بودند که سیاست ما درافغانستان بی هدف است و ضرورت عاجل

است تا یگ گروهی که من آن را گروه کاری افغانستان - پاکستان می خوانم تشکیل شود. تاسیس چنین گروه، اعتماد ملی ما را در مورد نحوه موفقیت ما در افغانستان و درمورد حرکت ما به سوی هدف مشترک ما در افغانستان نیروی تازه می بخشد. این همیشه به منافع ملی ما است تا به صورت علنی چالش های ما را که پیشروی ما قرار دارد ارزیابی نمایم و برای موفقیت خود تصویر روشنی ترسیم کنیم.

روزنامه دیگر چاپ امریکا باستون گلوب زیرعنوان عواقب بعدی افشاه اسناد محرم ویکی لیکس مقاله تحلیلی نوشته و در یک بخش این مقاله می نویسد، به تعقیب فاش شدن اسناد محرم از سوی موسسه ویکی لیکس، پاکستان و اداره استخبارات این کشور مطمئن شدند که تلاش های آن ها در برابر کار با کرزی به منظور تاسیس روابط دوباره، منجر به بی اعتمادی شدید تاریخی گردید. این که چگونه افغانستان و پاکستان می توانند بر چالش هایی غلبه کنند که توسط راپورهای محرم استخباراتی ویکی لیکس به وجود آمده مبنی برداشتن ارتباط ای-اس-آی به وقایع و رویداد های خصومت آمیز در افغانستان، تعیین خواهد کرد روابط پاکستان را در همسایگی و با ایالات متحده و همچنان گذرگاه خروج نیروها از منطقه. کنفرانس مطبوعاتی رییس جمهور کرزی بعد از افشای ویکی لیکس نشان می دهد که به روابط حسنه نو پای افغانستان و پاکستان همین اکنون صدمه وارد آمده است.

از طرف دیگر استیون سکر مدیر برنامه گفتگوی صریح شبکه تلویزیونی بی بی سی در مقدمه مصاحبه با راس موسن سکرتر جنرال ناتومی گوید: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی جدید برنامه ای ده ساله تدوین کرده است اما اعتبار این سازمان تا حدود زیادی به نتیجه جنگ در افغانستان بستگی دارد. شکست ناتو در افغانستان راهبرد جدید ناتو برای مقابله با تهدیدهای جهانی در دهه آینده را بی اعتبار خواهد کرد. آندرس فوگ راس موسن گفت با آنکه امروز جنگ در افغانستان مهم ترین عملیات نظامی است که ناتو درگیر آن است.

بین اعضای ناتو درباره سپردن مسئولیت امنیت افغانستان به نیروهای داخلی توافق صورت گرفته است و از ابتدای سال آینده میلادی به تدریج این واگذاری مسئولیت آغاز خواهد شد و در سال دوهزار و چهارده میلادی نیروهای داخلی مسئولیت تامین امنیت در سراسر کشور را برعهده خواهند گرفت. البته ناتو با بررسی اوضاع از توانمندی نیروهای داخلی برای ایفای این نقش مطمئن خواهند شد و تا این اطمینان به دست نیاید نیروهای ناتو خاک افغانستان را ترک نخواهند کرد و این کشور را به "طالبان" نخواهند سپرد. راس موسن گفت اینکه درگیری ها شدت یافته است امری طبیعی است چون ما نیروهای بیشتری به افغانستان اعزام کرده ایم و نیروی بیشتر یعنی درگیری بیشتر. نیروهای ناتو مراکز قدرت "طالبان" در هلمند و قندهار را آماج حملات خود قرار داده اند. امروز "طالبان" بیش از هر زمان دیگر زیر فشار

حملات ناتو قرار دارد و هدف ما این است که رهبری "طالبان" را به درک این نکته وادار کنیم که به هیچ وجه امکان پیروزی نظامی ندارند و باید برای پایان دادن به جنگ به مذاکره روی آورند و نشانه های چنین تحولی را در میان رهبری "طالبان" می توان مشاهده کرد.

راسموسن درباره برنامه و راهبرد آتی ناتو گفت مهمترین هدف ناتو دفاع از کشورهای عضو و مردم آنهاست و اگر این مسئولیت لشکرکشی به نقاط دیگر دنیا را ایجاب کند ناتو در این مورد تردیدی به خود راه نخواهد داد اما اجرای چنین عملیاتی در خارج از قلمرو ناتو سیاست از پیش تعیین شده ناتو نیست. وی گفت تردیدی وجود ندارد که ما از جنگ در افغانستان درس هائی آموخته ایم و هنگامی که به گذشته نگاه می کنیم متوجه می شویم از همان ابتدا ارزیابی درستی از اوضاع در افغانستان نداشتیم. ما برای جنگ در این کشور منابع لازم را اختصاص ندادیم و آموزش نیروهای داخلی نیز با تاخیر بسیار طولانی و در واقع سال گذشته آغاز شد. به همین علت تصمیم گرفته شده است که یک جزو تام ویژه آموزشی در ناتو ایجاد شود تا با بهره گیری از آن در مواقع ضروری نیروهای محلی آموزش داده شوند و نیازی به اعزام نیروهای ناتو به نقاط مختلف دنیا نباشد.

شماری از اعضای کانگرس در باره اقدامات اداره باراک اوباما بدلیل ریشه کن سازی تروریستان از مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان ابراز شک و تردید کردند. آنان می پرسند که اداره اوباما چه اقداماتی راعلیه "طالبان" و "القاعده" در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان کرده است؟ همچنان یک عضو حزب جمهوری خواهان در کانگرس امریکا میگوید که "طالبان" و "القاعده" در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان پناهگاه دارند، بنا بجای اینکه در مورد فرستادن سربازان بیشتر به افغانستان فکر شود، باید درباره آن فکر کنیم که چگونه تروریستان را در این منطقه از بین ببریم.

همچنان در پهلوی لاف و گزاف فراوان، سفر مخفیانه مسوولان عالی رتبه دو کشور آمریکا و انگلیس به افغانستان در حالی صورت می گیرد که حدود ده سال از سیطره نیروهای نظامی کشورهای خارجی به ویژه آمریکا و انگلیس در افغانستان می گذرد و آمار نیروهای نظامی این کشورها نیز اینک افزون بر یکصدوپنجاه هزار نفر اعلام شده است.

شبکه خبری الجزیره درحالی خیر حضورسرزده و مخفیانه دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس در افغانستان را منتشر کرد که دو روز قبل نیز افکار عمومی جهان از سفر مخفیانه اوباما به افغانستان بدون ملاقات با مقامات کشور متعجب شدند، پنهانی وارد میدان نظامی بگرام شد و در حالی که تنها شصت کیلومتر با کابل بیشتر فاصله نداشت، بدون ملاقات حضوری با رییس جمهوری کشور و پس از ملاقات با سربازان آمریکایی، کشور را ترك کرد.

انگلیس حدود ده هزار نیرو در افغانستان دارد که عمده آنان در هلمند مستقرند که از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون بیش از سه صد و چهل نفر از آنها کشته شده اند. سال دوهزار و ده میلادی از مرگبارترین سالها برای سربازان انگلیسی در افغانستان از زمان شروع جنگ در سال دوهزار و یک محسوب می شود. این در حالی است که تلفات نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در افغانستان از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون از مرز ششصد و بیست نفر گذشته که این میزان در مقایسه با پارسال بیشتر شده است. افزایش سفرهای مخفیانه مقامات عالی رتبه کشورهای غربی از نظر تحلیلگران دارای علل مختلفی است که نبود امنیت از جمله مهمترین آنها قلمداد می شود.

نخستین روزهای لشکرکشی به افغانستان توسط غریبها و سقوط "طالبان" در سال دوهزار و یک میلادی را خوب به یاد داریم، هیاهوی تبلیغاتی رسانه های قدرتمند جهان که تبلیغ می کردند آمریکا و همپیمانانش برای تحقق امنیت و دموکراسی وارد افغانستان شده اند. همان زمان بسیاری از کارشناسان منطقه هشدار دادند که استفاده صرف از توان نظامی و بهره نگرستن از ظرفیت کشورهای منطقه در حل بحرانهای افغانستان نتیجه بخش نخواهد بود. وبوش مغرورانه میگفت: مردم افغانستان سخاوت آمریکاراشاهد خواهند بود.

حال پس از گذشت ده سال مردم جهان به چشم خود می بینند حضور یک دهه کشورهای مدعی قدرت برتر جهان در افغانستان که با آخرین ساز و برگ نظامی خود وارد کشور شده اند، به تحقق نخستین و ابتدایی ترین شعار آمریکایی ها و همپیمانانش امنیت هم نیانجامیده است. اوضاع امنیتی کشور پس از ده سال اکنون به جایی رسیده که از ماهها قبل بوی مذاکره و سازش با "طالبان" در کشور به مشام می رسد. موضوع مذاکره با "طالبان" طی چندماه گذشته به عنوان مهمترین خبرهای رسانه های جهان مطرح می شد تا اینکه حتی به تشکیل شورای عالی صلح در کشور نیز انجامید اما یکباره خیری قابل تامل مبنی بر فریب استخباراتی و بازی گنج کننده اطلاعاتی مبنی بر جعلی بودن شخص مذاکره کننده "طالبان" منتشر شد و به دنبال آن انتشار بیانیه "طالبان" آب پاکی را روی دست خیلی ها ریخت. "طالبان" اعلام کرد که با شرایط کنونی مذاکره نمی کند. بی ارزش شدن دوسیه مذاکره با "طالبان" (در رسانه ها و در سازمانها) امنیتی) از یک سو و تداوم ناامنی ها از سوی دیگر پیام آور آینده ای مبهم از اوضاع امنیتی در کشور است به طوری که مردم نیز این روزها دغدغه های امنیتی را پس از ده سال حضور نیروهای مسلح کشورهای مختلف، به عنوان دغدغه اصلی و اولویت دار خود حتی بعد از بیکاری و مشکلات معیشتی مطرح می کنند. تازه ترین نظرسنجی انجام شده توسط بی بی سی ادعا دارد که افغان ها دغدغه های امنیتی را حتی با اولویت نسبت به مشکلات معیشتی، فقر و بیکاری می دانند. نکته قابل توجه در این نظرسنجی آمار قابل

ملاحظه افغانهایی است که گزینه مذاکره و صلح با "طالبان" را انتخاب کرده اند. با توجه به شرایط موجود به نظر می رسد اوضاع پیچیده امنیتی در کشور راهی جز پشت پازدن به شعارهای رنگارنگ روزهای ابتدایی لشکرکشی و سقوط "طالبان" را برای خارجی ها برجای نگذاشته تا هم بتوانند پاسخی به مردم جهان و هم برای افکار عمومی کشورهای خود شان داشته باشند.

کشورهای غربی که به افغانستان نیروهای نظامی اعزام کرده اند، امسال با افزایش شمار تلفات این نیروها، بیش از هر زمان تحت فشار سنگین افکار عمومی مردم خود قرار گرفته اند و گویا به این نتیجه نیز رسیده اند که شاید منافع ماندن در افغانستان بسیار کمتر از پیش بینی ها باشد. به هر صورت، وقتی به سفرهای مخفیانه مقامات غربی نگاهی می اندازیم، اگرچه این مقامات با ورود به افغانستان به موضوع زمان خروج تدریجی نیروهای خارجی از ابتدای سال آینده میلادی اشاره می کنند، اما هنوز برای اینکه در برابر افکار عمومی جهان نیز بی پاسخ نمانند، بر لزوم تداوم حضورشان تا چند سال آینده تأکید می کنند. این درحالی است که نشست اخیر کشورهای ناتو برای پایان حضور نیروهای نظامی در افغانستان سال دوهزار و چهارده میلادی را برای خروج تمامی نیروها اعلام کرد اما برخی کارشناسان تحقق این مهم را بعید پیش بینی می کنند. افزایش ناامنی ها در کشور با وجود استقرار نیروهای خارجی، تشدید ناامیدی افغانها نسبت به اوضاع امنیتی و شرایط نامناسب موجود در کشور را نشانگر سیاستهای غلط می دانند. در سال جاری میلادی ۶۷۰ سرباز خارجی در افغانستان کشته شده اند، درحالی که این آمار در سال ۲۰۰۹ میلادی به ۵۰۲ نفر رسیده بود.

روزنامه ساندی تایمز انگلیس اخیراً در گزارشی اعلام کرده است که "طالبان" به طور رسمی از سوی بالاترین مقامها در دولت اسلامآباد حمایت می شوند. این نشریه حتی پا را فراتر از این می گذارد و بر اساس شواهد خود تأکید می کند که هفت نفر از پانزده عضو مجلس شورای کوئته (شورای جنگ "طالبان") به سازمان اطلاعات پاکستان وابسته هستند. طبق گزارش منتشر شده از سوی کالج علوم اقتصادی لندن، دولت پاکستان در افغانستان در واقع نقشی دوگانه ایفا می کند.

مت و ولدمن، تحلیلگر پوهنتون هاروارد عقیده دارد که در تحقیقات قبلی درباره شبه نظامیان، تا حد زیادی نفوذ سازمان اطلاعات پاکستان بر "طالبان" نادیده گرفته شده است.

در گزارش ساندی تایمز که به دهها مصاحبه، مستند است و دوفرازمقامهای بلندپایه امنیتی کشورهای غربی آن را تأیید کرده اند، آمده است: سازمان اطلاعات پاکستان که برای "طالبان" پناهگاه و حمایت مالی، نظامی و لوژستیکی تأمین می کند برای انجام عملیات جنگی از نفوذ قدرتمندانه ای برخوردار است. در گزارش ادعا شده که آصف علی زرداری اخیراً با تعدادی از رهبران "طالبان" دیدار کرده و به آنها تأکید

کرده که دولتش به‌طور کامل از "طالبان" حمایت خواهد کرد؛ هرچند سخنگوی رسمی دولت پاکستان این موضوع را رد کرده است.

روزنامه گاردین در گزارشی اعلام کرده است که در افغانستان بسیاری بر این باور هستند که آمریکا از "طالبان" در همه زمینه‌ها حمایت می‌کند. به عقیده این گروه آمریکا واقعا خواستار طولانی‌شدن جنگ در کشور است زیرا می‌خواهد حضور خود را تثبیت و طولانی کند. در واقع اگر "طالبان" شکست بخورد و به‌طور کامل از بین برود آمریکا دیگر بهانه‌ای برای باقی‌ماندن در افغانستان نخواهد داشت. اردوی افغانستان وقتی پایگاه‌های "طالبان" را تصرف می‌کند متوجه می‌شود که اسلحه‌های موجود در این پایگاه‌ها مشابه اسلحه‌هایی است که آمریکا به اردوی افغانستان می‌دهد. علاوه بر این بسیاری بر این باور هستند که ایالات متحده آمریکا مدارس آموزش افراط‌گرایان در افغانستان و پاکستان را تأمین مالی می‌کند و هلکوپترهای آمریکا کالاهای ضروری را به شبه نظامیان "طالبان" می‌رسانند. انگلیسی‌ها هم در این رابطه مورد اتهام هستند و بسیاری عقیده دارند که آنها مایلند بیشتر از آمریکایی‌ها در افغانستان باقی بمانند. آنها می‌خواهند با "طالبان" به مذاکره بنشینند تا آنها را برای پیوستن به نیروهای دولتی راضی کنند. انگلیسی‌ها می‌خواهند از این راه، نفوذ خود در منطقه را همچنان پر قدرت باقی نگه دارند. واقعیت این است که هر کدام از طرف‌ها به دلایل خاص خود مایلند که "طالبان" همچنان حضور فزینی نیرومندی در منطقه داشته باشند. آنها می‌خواهند که از وجود "طالبان" در صحنه‌ها و امتیازگیری از رقبا، بهره‌برداری کنند. در این میان شبه‌نظامیان "طالبان" که از همه طرف کمک دریافت می‌کنند از وضعیت موجود بیشترین بهره را می‌برند. آنها در این شرایط می‌توانند به راحتی فعالیت‌های خود را ادامه دهند. واقعیت این است که تا زمانی که درگیری وجود دارد "طالبان" نیز وجود خواهند داشت.

القدس العربی در یک گزارش تحلیلی مینویسد: جرگه صلح در پایان نشست خود با حامد کرزی، رئیس‌جمهوری این کشور سرانجام به او این اختیار را دادند که با "طالبان" که اکنون جنگ خونین خود علیه نیروهای سازمان پیمان ناتو و نیروهای دولتی را شدت بخشیده است به گفت‌وگو بنشیند. نکته بسیار جالب در نشست مشورتی جرگه صلح این بود که حامد کرزی در سخنرانی خود درباره "طالبان" زبان نرمی اختیار کرد و این امر نمایانگر تمایل شدید وی برای نزدیک شدن به "طالبان" به حساب می‌آید. او رهبران "طالبان" را برادر توصیف کرد و مسئله عفو عمومی را مطرح ساخت.

کرزی همچنین در این نشست پیشنهاد پرداخت پول، تأمین پناهگاه‌های ایمن در خارج از کشور و جذب شبه نظامیان "طالبان" در نهادهای دولتی را مطرح کرد. اینکه حامد کرزی خود به چنین باوری رسیده باشد و با ایالات متحده آمریکا در این رابطه مشورت نکرده باشد امری دور از ذهن است، به‌ویژه اینکه اوقلاً

درواشنگتن با اوباما و اعضای دولتش دیدار کرده بود. خارجیه‌ها در افغانستان در تنگنای عجیبی گرفتار شده است. جنگ در افغانستان بر ای‌آن بسیار پرهزینه است و حضور بیش از صد هزار سرباز در شرایط کنونی اقتصاد آمریکا بردوش خزانه این کشور و مالیات دهندگان آمریکایی به شدت سنگینی می‌کند. گفته می‌شود که هزینه ماهانه جنگ آمریکا در افغانستان هفت میلیارد دلار است که البته باید به آن مشکلات صدها کشته و زخمی را هم اضافه کرد. تهاجم گسترده آمریکا و نیروهای ناتو علیه "طالبان" در هلمند که با هدف پایان دادن به کار "طالبان" در آن منطقه صورت گرفت، موفقیت آمیز نبود. "طالبان" پس از موفقیت در دفع حملات نیروهای خارجی توانست ضربات سختی به نظامیان خارجی وارد کند.

"طالبان" عملاً بردوسوم خاک افغانستان سلطه دارند و بارها توانسته اند در مواقع حساس دولت کرزی را با حملات خود تحت الشعاع قرار دهند. آنها حتی زمانی که وزیران در حال ادای سوگند قانون اساسی بودند کاخ ریاست جمهوری را مورد حملات خوطش قرار دادند، مسئله‌ای که در نخستین روزنشست جرگه صلح تکرار شد. تهاجم "طالبان" می‌تواند نمایانگر قدرتمندی و نفوذ آنها حتی در کابل باشد. با در نظر داشت قدرتمندی "طالبان"، درخواست کرزی را می‌توان نتیجه ضعف و تفسیر کرد و عدم پذیرش پیشنهادهای کرزی از سوی مخالفین تفسیر فوق را تایید می‌کند.

"طالبان" بارها تأکید کرده است که با آمریکایی‌ها و فرماندهان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تنها در مورد يك موضوع گفت‌وگو می‌کند، خروج نیروهای بیگانه و در اختیار گرفتن قدرت. "طالبان" اکنون می‌دانند که در موضع قدرت قرار دارند. فرمانده نیروهای انگلیسی در افغانستان به تازگی اعلام کرد در این جنگ نمی‌توان پیروز شد و بیشتر مردم انگلیس در نظر سنجی‌ها خواستار خروج نیروهای خود شده‌اند. مجموع این مسائل نشان می‌دهد که بازگشت "طالبان" به قدرت از آنچه ما تصور می‌کنیم بسیار نزدیک تر شده است. الاهرام والقدس العربی، ترجمه محسن ساری.

کرزی که در این اواخر از تکنیک های کشورهای غربی در مبارزه علیه "طالبان" انتقاد کرده، هم چنین گفت که روابط محکم با اسلام آباد دارد. وی گفت، اطمینان می‌دهد که میان دو کشور بی اعتمادی وجود ندارد. این درحالیست که روابط میان دو کشور بارها با اتهامات بر سر ارتباط میان اداره استخبارات پاکستان و "طالبان" و حضور تندروان پاکستانی در افغانستان متشنج شده است. کرزی گفت، تلاش های قوای بین المللی در افغانستان مانند سال های اول موفق نیست. وی که همواره پاکستان را به مداخله در امور افغانستان متهم می‌کرد، گفت: ملت افغانستان دست را با جهان یکی کرد حکومت طالب ها و "القاعده" را از افغانستان راندند و افغانستان دوباره به یک روند عادی زنده گی برگشت. ولی به تعقیب آن حملات تروریستی در افغانستان زیاد شد. در عین حال دیدیم که پاکستان هم مورد حملات شدید

تروریسم قرار گرفت. این ما را به این وادار کرد تا ما دیدگاه خود را تجدید دوباره کنیم و تحلیل کنیم که چه می گذرد. این کار های که می شود همیشه از پاکستان به طرف افغانستان می آید و یا یک دسیسه بزرگ تر در کار است که هم افغانستان را بی ثبات می سازد و هم پاکستان را. کرزی هم چنین گفت، قوای بین المللی نتوانست که مراکز آموزش و تمویل تروریستان را از بین ببرد و طبق میل مردم افغانستان در برقراری امنیت نیز موفق نبوده اند.

استفاده از بخشهای خبری.

www.esalat.org